# بودجه‌ریزی در مه‌آلودگی جنگ و صلح

**سایه سنگین تحولات منطقه‌ای و تنگناهای تحریمی بر فرآیند تدوین لایحه بودجه سال آینده، نمایندگان مجلس را بر آن داشت تا دولت را به اتخاذ رویکردی واقع‌بینانه و چندسناریویی ملزم کنند. در شرایطی که اقتصاد ایران با آزمون سخت تداوم تقابل یا افق‌های نوین صلح دست‌وپنجه نرم می‌کند، کمیسیون برنامه و بودجه مجلس بر تدوین بودجه ۱۴۰۶ بر مبنای دو سناریوی متمایز «پایان جنگ» و «استمرار شرایط اضطراری» تأکید دارد؛ راهبردی که افزون بر بازنگری در برآوردهای درآمدی و نفتی، تمرکززدایی ساختاری و تفویض اختیارات ویژه به شوراهای برنامه‌ریزی و تأمین استان‌ها را به عنوان کلیدواژه مدیریت بحران در دستور کار قرار داده است. این رویکرد نوین، افزون بر ضرورت صیانت از معیشت اقشار آسیب‌پذیر و امنیت غذایی، زنگ خطری جدی برای لزوم انعطاف‌پذیری قوانین مرسوم در تقابل با بوروکراسی قفل‌کننده امور در روزهای خطیر پیش روست.**

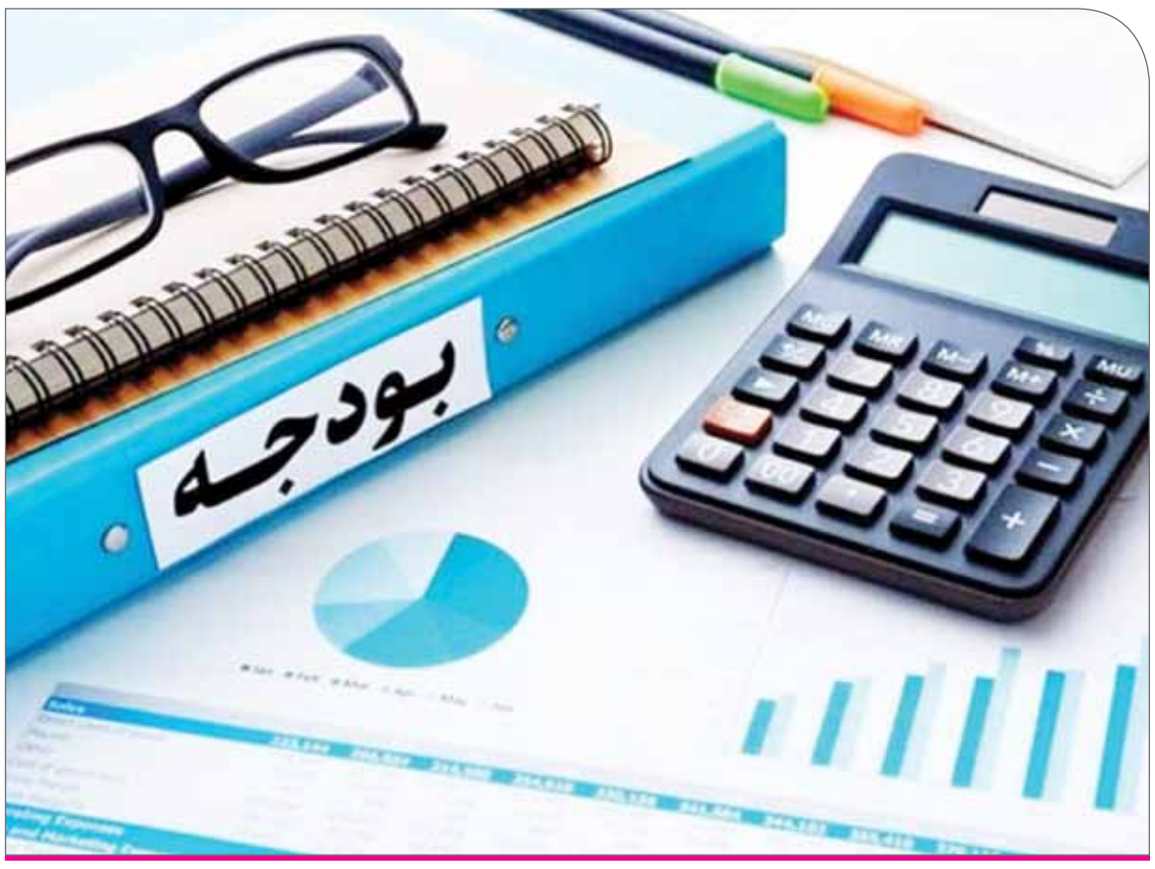


فریدون همتی، نماینده مجلس در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، با تأکید بر ضرورت تدوین بودجه متناسب با شرایط جنگی و تحریمی کشور، گفت: دولت باید دو سناریوی پایان جنگ و تداوم شرایط فعلی را در بودجه سال آینده پیش‌بینی کند و در کنار حمایت از معیشت مردم و تولید، به دنبال تأمین منابع جدید و صرفه‌جویی باشد.

**▣ بودجه ۱۴۰۶ با ۲سناریوی جنگی**

وی اظهار کرد: مدت‌هاست دولت در تکاپوی تهیه بخشنامه بودجه۱۴۰۶ است تا دستگاه‌های اجرایی در سطح ملی و استانی، بودجه‌ها و پیش‌بینی‌های خود را برای سال آینده آماده کنند. با توجه به شرایط جنگ تحمیلی، تشدید محاصره و تحریم‌ها، بودجه باید متناسب با شرایط جدید کشور تدوین شود.

همتی با اشاره به ضرورت حمایت از کارکنان دولت، بازنشستگان و اقشار تحت پوشش نهادهای حمایتی افزود: حمایت از تولید، به‌ویژه بخش کشاورزی که نقش مهمی در تأمین امنیت غذایی کشور دارد، باید در تدوین بودجه مورد توجه قرار گیرد. همچنین صرفه‌جویی در هزینه‌ها و شناسایی منابع جدید درآمدی از الزامات بودجه سال آینده است.

وی با بیان اینکه بودجه‌ریزی باید بر مبنای دو سناریوی متفاوت انجام شود، تصریح کرد: یک سناریو باید شرایط اداره کشور در صورت پایان جنگ را در نظر بگیرد و سناریوی دیگر برای تداوم وضعیت فعلی طراحی شود. در این دو حالت، پیش‌بینی میزان فروش نفت و صادرات کشور متفاوت خواهد بود و لازم است این تفاوت‌ها در محاسبات بودجه لحاظ شود.

**▣ اختیارات ویژه به استان‌ها در شرایط جنگی**

این نماینده مجلس با تأکید بر ضرورت افزایش اختیارات استان‌ها در نظام تصمیم‌گیری کشور گفت: هم‌زمان با بودجه‌ریزی برای سال آینده، باید اختیارات ویژه‌ای به استان‌ها داده شود تا بتوانند متناسب با تشخیص خود و موضوعات و مسائل پیش‌آمده تصمیم‌گیری کنند.

همتی ادامه داد: در این زمینه، دو مرجع شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و شورای تأمین استان می‌توانند مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرند و مصوبات آنها در حوزه‌های مرتبط، در حکم مقررات زمان جنگ باشد.

وی با اشاره به نقش این اختیارات در مدیریت فعالیت‌های مرزی، واردات، صادرات و اداره امور استان‌ها افزود: تصمیمات استانی باید متناسب با شرایط هر منطقه اتخاذ شود؛ البته موضوعاتی که بر اقتصاد ملی و مسائل کلان کشور تأثیر می‌گذارند نیز باید در چارچوب مشخصی مورد توجه قرار گیرند. همتی تأکید کرد: در صورت واگذاری این اختیارات، دستگاه‌های نظارتی نباید خارج از چارچوب اختیارات تفویض‌شده و مصوبات مورد تأیید استان‌ها اعمال نظارت کنند.

**▣ ضرورت بازنگری در مقررات متناسب با شرایط جنگ**

به گزارش تسنیم، وی با انتقاد از ناکارآمدی برخی مقررات موجود در شرایط فعلی کشور گفت: قوانین و مقررات موجود برای شرایط عادی تدوین شده‌اند و حتی در وضعیت عادی نیز با برخی نواقص مواجه‌اند؛ بنابراین در شرایط جنگ، تحریم و محاصره، پاسخگوی نیازهای کشور نیستند.

همتی افزود: ادامه اجرای مقرراتی که با شرایط امروز تناسب ندارند، می‌تواند موجب قفل‌شدن امور کشور شود. به همین دلیل، بودجه سال آینده باید این واقعیت‌ها را در نظر بگیرد و دولت و مجلس با تدوین رویکردی متناسب با شرایط جنگی، زمینه اداره مؤثرتر کشور را فراهم کنند.

وی ابراز امیدواری کرد با تدوین بودجه‌ای متناسب با شرایط موجود، سال آینده از نظر حمایت از کارکنان، مردم، اقتصاد و نیروهای مسلح، سالی همراه با نشاط و بهبود شرایط باشد.

## سخن پایانی

گذر اقتصاد ایران از گذرگاه خطیر پیش رو، بیش از هر زمان دیگری در گرو انعطاف‌پذیری نهادهای تصمیم‌ساز و خروج از دالان‌های فرسوده بوروکراسیِ مرسوم است. بودجه ۱۴۰۶ نباید تنها یک سند حسابداریِ مبتنی بر روال‌های مألوف باشد، بلکه باید به عنوان منشورِ مدیریتِ اضطراری کشور، عیار واقع‌بینی خود را در تلاطم متغیرهای منطقه‌ای و تحریمی محک بزند. تفویض اختیارات واقعی به استان‌ها، در کنار صیانت بی‌چون‌وچرا از معیشت عمومی و بنیه تولید، سنگ‌بنای صیانت از اقتصاد ملی در برابر طوفان‌های احتمالی است. اگر دستگاه‌های اجرایی و نظارتی تن به الزامات این جراحی ساختاری ندهند، هزینه‌های سنگینِ سکون و انفعال، بستر اداره کشور را با بن‌بست روبه‌رو خواهد ساخت؛ واقعیتی که دولتمردان و قانون‌گذاران باید پیش از دمیدنِ روحِ نهایی در لایحه بودجه، به آن تن دهند.

---

در بازدید از نمایشگاه مطرح شد؛

## تاکید مدیرعامل ایمپاسکو بر اهمیت تعامل زنجیره معدن در توسعه صنایع معدنی کشور

مدیرعامل ایمپاسکو با اشاره بر ضرورت تقویت تعامل میان سرمایه‌گذاران، سازندگان و شرکت‌های معدنی برای پیشبرد توسعه این بخش تأکید کرد و خواستار تنظیم دقیق تقویم نمایشگاهی جهت ارتقای سطح تخصصی رویدادها شد.

به گزارش صمت به نقل از روابط عمومی ایمپاسکو، امید امامی مدیرعامل شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران ضمن حضور در غرفه ایمپاسکو، از نزدیک در جریان آخرین دستاوردها، توانمندی‌ها و برنامه‌های ارائه‌شده در نمایشگاه قرار گرفت و با فعالان، متخصصان و دست‌اندرکاران حوزه معدن و صنایع معدنی به گفت‌وگو پرداخت.

ایمپاسکو در بیستمین نمایشگاه به‌صورت گروهی و در قالب غرفه مشترک با ایمیدرو و شرکت‌های تابعه حضور یافته است. این حضور با هدف معرفی ظرفیت‌ها، پروژه‌های توسعه‌ای، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و دستاوردهای حوزه اکتشاف، استخراج و توسعه معادن کشور صورت گرفته است.

مدیرعامل ایمپاسکو در حاشیه این بازدید، ضمن تاکید بر تنظیم تقویم نمایشگاهی و جلوگیری از تداخل این رویدادهای مهم، نمایشگاه کانمین را یکی از مهم‌ترین رویدادهای تخصصی بخش معدن کشور دانست و بر اهمیت تعامل میان شرکت‌های معدنی، سازندگان داخلی، سرمایه‌گذاران و فعالان زنجیره معدن و صنایع معدنی برای توسعه هرچه بیشتر این بخش تأکید کرد.

---

بازدید سرپرست معدنی و مدیر معادن ایمیدرو از مجتمع سرب و روی مهدی آباد؛

## بررسی روند تولید و طرح‌های توسعه‌ای در بازدید از مهدی آباد

سرپرست معاونت معدنی ایمیدرو در بازدید از مجتمع سرب و روی مهدی آباد گفت: معدن سرب و روی مهدی‌آباد با بهره‌گیری از توان فنی متخصصان، پتانسیل بالایی برای افزایش ضریب بهره‌وری و توسعه ظرفیت‌های تولید دارد. به گزارش صمت به نقل از روابط عمومی مجتمع سرب و روی مهدی آباد، در راستای پایش مستمر فعالیت‌های تولیدی و ارزیابی ظرفیت‌های توسعه‌ای واحدهای زیرمجموعه، احسان عزیزی سرپرست معاونت معادن و صنایع معدنی ایمیدرو، به همراه لطفی مدیر توسعه و بهره‌برداری معادن ایمیدرو از مجتمع سرب و روی مهدی‌آباد بازدید کردند.

در این بازدید عزیزی ضمن تشکر از همه عوامل این طرح و بخصوص سرمایه گذار آن، اظهار داشت: مجتمع مهدی‌آباد یکی از نقاط کلیدی در تولید محصولات سرب و روی است که با بهره‌گیری از توان فنی متخصصان، پتانسیل بالایی برای افزایش ضریب بهره‌وری و توسعه ظرفیت‌های تولیدی دارد، و جا دارد، همه ارکان این طرح فعالانه در جهت رفع موانع تولید و مشکلات این طرح گام برداریم.

لطفی با تأکید بر اهمیت مدیریت بهینه فرآوری، خاطرنشان کرد: تکامل واحدهای فرآوری در این مجتمع و رعایت استانداردهای فنی، گامی مهم در جهت ارتقای جایگاه مهدی‌آباد در زنجیره ارزش سرب و روی ایران است که باید با برنامه‌ریزی‌های دقیق، و هموار کردن چالش‌های پیش روی سرمایه‌گذار، مسیر توسعه آن هموار شود.

در پایان، نمایندگان ایمیدرو ضمن بازدید از تجهیزات و زیرساخت‌های جانبی، بر لزوم تداوم پایش‌های فنی برای ارتقای سطح تولید و حفظ پایداری محیط زیستی تأکید کردند.

گفتنی است این بازدید با هدف بررسی دقیق وضعیت عملیات معدنی و آخرین وضعیت طرح‌های توسعه‌ای و برنامه ریزی برای رفع چالش‌های آن انجام شد.

---

## فولاد مبارکه؛ مقاومت یعنی وقتی هنوز جنگ تمام نشده، به فردای ایران فکر کنی

گاهی معنای یک کلمه را نه در فرهنگ لغت، که در زندگی آدم‌ها باید جست‌وجو کرد؛ در سرگذشت یک سرزمین، در قصه یک کارخانه و در اراده کسانی که در روزگار دشوار، تسلیم دشواری نمی‌شوند.

برای من، مقاومت در قصه فولاد مبارکه معنایی فراتر از ایستادگی در برابر حمله دارد؛ معنای ایمان به آینده.

برای فهمیدن این معنا، باید به سال‌های جنگ تحمیلی برگشت؛ به روزهایی که ایران درگیر دفاع از سرزمین خود بود و در همان حال، به فکر ساختن فردایش نیز می‌اندیشید. فولاد مبارکه، مولود انقلاب بود؛ رؤیای بزرگی که در سال‌های دفاع مقدس جان گرفت، در روزگار دشواری و ناامنی مسیر ساخت را پیمود و قرار بود سهمی در استقلال صنعتی و آینده ایران داشته باشد.

در روزگاری که جنگ، زندگی مردم را زیر سایه خود برده بود، عده‌ای به فردای جنگ فکر می‌کردند. به روزی که باید کارخانه‌ای می‌بود، صنعتی باید می‌ایستاد و کشوری باید می‌توانست نیازهای خود را با تکیه بر توان خویش تأمین کند.

اینجاست که باید از محمدحسن عرفانیان، مجری طرح و از چهره‌های اثرگذار در شکل‌گیری فولاد مبارکه، یاد کرد؛ از نگاه و روایتی که در دل خود، یک پرسش بزرگ داشت: جنگ سرانجام تمام خواهد شد؛ آن روز برای ایران چه ساخته‌ایم؟

این پرسش، برای من، یکی از عمیق‌ترین صورت‌های معنای مقاومت است.

مقاومت فقط این نیست که در برابر حمله بایستی؛ گاهی یعنی در میانه جنگ، به زندگی پس از جنگ فکر کنی. یعنی وقتی همه‌چیز تو را به امروز و اضطرارهایش فرامی‌خواند، تو برای فردایی برنامه داشته باشی که شاید خودت فرصت دیدنش را پیدا نکنی. یعنی چیزی بسازی که ثمره‌اش به نسل‌های بعد برسد.

فولاد مبارکه از دل چنین باوری سر برآورد؛ از اراده ساختن در روزگاری که ساختن آسان نبود. سال‌ها گذشت. نسل‌هایی در این مجموعه کار کردند، تجربه‌ها اندوخته شد، خطوط تولید توسعه یافت و زندگی هزاران خانواده با چرخه تولید پیوند خورد. رؤیایی که در روزگار جنگ شکل گرفته بود، به بخشی از واقعیت صنعتی ایران تبدیل شد.

اما تاریخ، گاهی پرسش‌های قدیمی را با چهره‌ای تازه پیش روی ما می‌گذارد.

در جنگ رمضان بمب‌ها بر این مجموعه فرود آمدند. کارخانه‌ای که روزگاری در سایه جنگ برای ساختن آینده ایران شکل گرفته بود، خود در معرض آسیب‌های جنگ قرار گرفت.

نسلی برای ساختن این مجموعه تلاش کرده بود تا ایران در آینده توانمندتر باشد؛ سال‌ها بعد، نسل دیگری باید از همان دستاورد صنعتی در برابر آسیب‌های جنگ مراقبت می‌کرد و آن را دوباره به زندگی بازمی‌گرداند.

وقتی بمب بر یک مجموعه صنعتی فرود می‌آید، فقط سازه و تجهیزات آسیب نمی‌بینند. پشت هر خط تولید، زندگی آدم‌ها جریان دارد؛ خانواده‌هایی که چشم‌انتظار بازگشت عزیزانشان هستند، کارگرانی که معاششان با استمرار تولید پیوند خورده و متخصصانی که سال‌ها دانش و تجربه خود را در همین مجموعه به کار گرفته‌اند.

برای همین، وقتی از آسیب‌دیدن فولاد مبارکه حرف می‌زنیم، نمی‌توانیم فقط از خسارت تجهیزات بگوییم. باید از زندگی‌هایی بگوییم که با آن پیوند دارند؛ از نگرانی‌ها، از روزهای سخت و از مسئولیتی که پس از هر آسیب، بر دوش انسان‌ها قرار می‌گیرد.

و بعد، فصل بازسازی آغاز شد.

فولاد مبارکه برای بازگشت به مدار تولید، به تلاش نیروهای متخصص، مهندسان، تکنسین‌ها و کارگرانی تکیه کرد که باید از میان دشواری‌ها، راه دوباره ایستادن را پیدا می‌کردند. بازسازی کوره‌ها و راه‌اندازی دوباره آن تنها پس از ۴۵ روز، بخشی از همین روایت است؛

چهل‌وپنج روز، یعنی روزهایی که باید تصمیم گرفت، راه‌حل پیدا کرد، دانش را به کار گرفت و خستگی را پشت در کارگاه گذاشت. یعنی انسان‌هایی که در میانه بحران، به جای آنکه فقط به آنچه از دست رفته نگاه کنند، به آنچه باید دوباره ساخته شود فکر کردند.

اینجا مقاومت از یک واژه به یک تجربه تبدیل می‌شود.

مقاومت یعنی نگذاری ویرانی، آخرین کلمه روایت باشد. یعنی آسیب را انکار نکنی، رنج را نادیده نگیری و در عین حال، اجازه ندهی آنچه رخ داده، تمام افق نگاهت را بپوشاند. یعنی بدانی بازسازی فقط تعمیر یک دستگاه یا راه‌اندازی یک کوره نیست؛ بازگرداندن بخشی از اطمینان، استمرار زندگی و امید به آینده است.

برای من، پیوند میان تولد فولاد مبارکه در سال‌های دفاع مقدس و بازسازی آن پس از حملات جنگ‌های اخیر، در همین نقطه معنا پیدا می‌کند: روزی کسانی در میانه جنگ برای آینده ایران ساختند و سال‌ها بعد، کسانی دیگر در میانه جنگ برای حفظ همان آینده دوباره ساختند.

نسل‌ها تغییر کردند، روزگار عوض شد، اما مسئولیت ساختن باقی ماند.

شاید این همان چیزی باشد که ما گاهی در هیاهوی خبرها فراموش می‌کنیم. پشت هر کارخانه، فقط ماشین‌آلات و سازه‌ها قرار ندارند؛ تاریخ تلاش آدم‌ها قرار دارد. آدم‌هایی که ممکن است نامشان در هیچ تیتر درشتی نیاید، اما اگر نباشند، هیچ خط تولیدی دوباره روشن نمی‌شود و هیچ بازسازی‌ای به سرانجام نمی‌رسد.

من فکر می‌کنم فولاد مبارکه را باید از همین زاویه دید؛ نه فقط به‌عنوان یک مجموعه بزرگ صنعتی، بلکه به‌عنوان روایتی از نسبت انسان با آینده.

روزی، در سال‌های دفاع مقدس، کسانی تصمیم گرفتند برای ایران کارخانه‌ای بسازند که ثمره‌اش به سال‌های بعد برسد. سال‌ها بعد، در جنگ رمضان، انسان‌های دیگری برای حفظ و بازگرداندن این سرمایه به میدان آمدند. یکی ساختن را آغاز کرد و دیگری ساختن را ادامه داد. فاصله میان این دو نسل، با یک باور پر شده است: ایران نباید آینده خود را از دست بدهد.

این، به گمان من، انسانی‌ترین معنای مقاومت است؛ اینکه رنج امروز، حق فردا را از ما نگیرد. اینکه در روزگار جنگ، هنوز کسی به روزهای صلح فکر کند. اینکه پس از ویرانی، کسانی باشند که به جای تسلیم‌شدن در برابر پایان، راهی برای آغاز دوباره پیدا کنند.

فولاد مبارکه یک روز در بحبوحه جنگ متولد شد؛ در روزگاری که ساختن، خود نشانه امید به آینده بود. سال‌ها بعد، در میانه جنگ‌های تازه آسیب دید و بار دیگر با تکیه بر دانش، تجربه و تلاش انسان‌هایش مسیر بازگشت به تولید را پیمود. شاید به همین دلیل است که قصه فولاد مبارکه، فقط قصه فولاد نیست. قصه آدم‌هایی است که نمی‌خواهند جنگ، آخرین تصمیم را درباره آینده‌شان بگیرد.

و اگر روزی فرزندان ما از ما بپرسند مقاومت چه معنایی داشت، شاید لازم نباشد برایشان از واژه‌های بزرگ و تعریف‌های پیچیده بگوییم. کافی است قصه کارخانه‌ای را برایشان روایت کنیم که در روزگار جنگ ساخته شد، سال‌ها بعد زخم جنگ را تجربه کرد و انسان‌هایی برای بازسازی آن به میدان آمدند.

بعد به آن‌ها بگوییم: مقاومت، گاهی همین است؛ اینکه هنوز جنگ تمام نشده باشد، اما تو به روزی فکر کنی که جنگ تمام شده است. به کارخانه‌ای که دوباره کار می‌کند، به کارگری که در آرامش به خانه برمی‌گردد، به خانواده‌ای که دیگر نگران صدای انفجار نیست و به کشوری که می‌تواند حاصل تلاش نسل‌هایش را برای نسل‌های بعد حفظ کند. کاش روزی برسد که هیچ کارخانه‌ای ناچار نباشد معنای مقاومت را از میان آوار جست‌وجو کند. کاش حاصل همه این ایستادگی‌ها، جهانی باشد که در آن انسان‌ها به جای بازسازی ویرانی‌های جنگ، فرصت ساختن آینده را داشته باشند.

تا آن روز، قصه فولاد مبارکه برای من یادآور یک حقیقت است:

مقاومت، فقط ایستادن در برابر آن چیزی نیست که می‌خواهد ما را متوقف کند؛ مقاومت، وفادارماندن به زندگی است. ساختن، وقتی ویرانی آسان‌تر به نظر می‌رسد. فکرکردن به فردا، وقتی امروز تمام توان انسان را می‌طلبد. و روشن نگه‌داشتن امید، حتی وقتی آسمان تیره است.